

نگاهی به مواضع ضد انقلابی احزاب حکمتی

احزاب حکمتی بر اساس تنوری " سناریو سفید و سیاه " رهبرشان منصور حکمت ، از مبارزه علیه " قطب تروریسم آمریکایی " همان را می فهمند که رهبر جمهوری اسلامی خامنه ای بر اساس "بینش" اسلامی اش با تاکید بر اینکه ؛ " کارگران و سرمایه داران برادر و شریک یکدیگرند " ، از مبارزه " مستضعفین علیه مستکبرین " می فهمد .

اخیرا مقاله ای در پاسخ به دبیر سایت من و پالتاک رفیق سربلند به نگارش درآمده که حاوی نکاتی است در خور پاسخ .

کسی که استالین کبیر معمار ساختمان سوسیالیسم در شوروی- در هم کوبنده فاشیسم هیتلری و نجات دهنده بشریت از عفریت نژاد پرستی- بزرگترین پشتیبان و حامی انقلاب چین را بی شرمانه و بیخردانه نماینده ناسیونالیسم ارتجاعی روسی قلمداد می کند ، کسی که مائوتسه دون رهبر کبیر انقلاب چین را تحت عنوان " با مائوئیسم میانه خوبی ندارم " تخطئه می نماید و آنرا نماینده نوعی کمونیسم بورژوایی قلمداد می کند ، کسی که توفانی ها (حزب کار ایران) را با خط قرمز در لیستی قرار میدهد که باید در آینده گردنشان با ساطور " کمک جدی تر " قطع گردد ، کاملا روشن است که آماج حملات حککا که این بار در قامت نوجوان 13 و 14 ساله تجلی یافته است ، رفیق سربلند نیست گرچه دامن او را نیز گرفته است ، بلکه آماج اصلی و نهائی ساختمان سوسیالیسم در شوروی است که بر اساس مبانی پایه ای سوسیالیسم علمی برای نخستین بار در تاریخ بشریت به وقوع پیوست و الهام بخش زحمتکشان و بویژه کارگران جهان گردید . آماج حمله اندیشه رهایی بخش سوسیالیسم علمی- مارکس- انگلس و لنین است که توسط پر افتخارترین شاگردانش استالین و مائو در شوروی و چین به واقعیت زمینی تبدیل شد .

نکات مهمی در مقاله حککا تحت نام " آرش سرخ " یافت می شود که باید بدان توجه داشت :

1- اینکه این جریان هنوز در مبارزه با " دو قطب تروریسم " اندر خم یک کوچه است و رسیدن به قدرت را همراه با سلطنت طلبان (مزدوران آشکار امپریالیسم امریکا) ، مجاهدین خلق (بریدگان از مردم و خزیدگان به دامن امپریالیسم امریکا) ، توده ای- اکثریتی ها و ... در پناه امپریالیسم امریکا می داند ، امروز که مشام اخاذی گری اش از امریکا و اسرائیل در تهدید بمباران ایران تحریک شده است از هول حلیم در دیگ شیرجه زده و از هم اکنون با خط و نشان کشیدن علیه نیروهای انقلابی ، به تعیین جایگاه آنان پرداخته است .

این جریان بی هویت که تنها هنرش ایجاد آشوفته فکری و سردرگمی هر چه بیشتر در میان جنبش چپ و رادیکال می باشد ، به " استالینیست ها و مائوئیست ها " رسما هشدار می دهد که اگر دست از افشاگری علیه حککا برندارند جزو تصفیه شدگان آینده خواهند بود . یعنی اینکه باید حکمتیسم را بر مارکسیسم لنینیسم ترجیح دهند در غیر اینصورت ، جایگاهشان همان جایی خواهد بود که اپوزیسیون ضد بلشویکی (باند بوخارین- ترسکی) در همکاری با وحشی ترین جناح ضد شوروی- در همکاری با فاشیست های آلمانی و ژاپنی برای کمونیستهای واقعی در سر داشتند .

این جریان حامی منافع امپریالیسم امریکا و صهیونیست های اسرائیلی به توفانی ها شدیداً هشدار می دهد که دیگر کار شما تمام است چراکه آنها را اولین نیروی سیاسی می داند که با افشاگری های شجاعانه و بی امان طی مقالات متعدد آبرونی برای حککا باقی نگذاشت . بطوریکه امروز کسی که از مضمون سازشکارانه تنوری مسخره " سناریو سفید و سیاه " حکمت بی خبر است فقط خواجه حافظ شیرازی است که آنهم در قید حیات نیست .

2- این جریان بغایت انحرافی درصدد است با سیاست مزورانه و ارتجاعی شلاق (علیه توفانی ها و نیروهای م-ل) و نان قندی (جهت جذب پاره ای از عناصر متزلزل در میان م-ل ها) با ایجاد شکاف و عمق بخشیدن هر چه بیشتر میان نیروی های مارکسیسم لنینیسم ، هم بر فضای پراکندگی بیافزاید و هم آبروی ای را که توسط دریافت کمک های مالی- خدماتی و فنی " سیا " و " موساد "

سرمه بندی کرده بود و اکنون آنرا در معرض خطر می بیند مجدداً احیاء گرداند .
اینکه چرا ما بر امر نامقدس و خانانانه پول گرفتن این جریان از آمریکا و اسرائیل تکیه می کنیم بدین خاطر است که در شرایط حساس کنونی که انحصارات امریکایی با اختصاص بودجه 75 میلیون دلاری به مزدوران ایرانی در جهت روی کار آوردن رژیم های دست نشانده علناً و گستاخانه برای بشریت خط و نشان می کشند که یا تسلیم سیاست های غارتگرانه شو و یا سرو کارت با بمب های " باستر " است ، ضرورت مرز بندی با ایادی امپریالیسم بمنظور جلوگیری از رخنه به جنبش های رهائی بخش را دو چندان می گرداند .

همانطور که مستحضرید ، چندی است برخی از احزاب ، گروهها و افراد سیاسی بمنظور پاکیزگی جنبش رادیکال و انقلابی از نفوذ ایادی امپریالیسم امریکا ، محکوم کردن اخاذی از امپریالیستها و صهیونیستهای اسرائیلی را اولین و مهم ترین قدم در عدم وابستگی نیروهای سیاسی دانستند و بر آن اصرار دارند . ولی تا کنون از این جریان (حزب کمونیست کارگری) که اساس اش با قرار داد تاریخی 1028 در دریافت کمک های مالی (غیر از کشورهای اسلامی) از امریکا و اسرائیل که آنها را رژیم های " دمکراتیک " میدانند گره خورده ، در رد این وابستگی کلامی رسمی مبنی بر عدم دریافت کمک های مالی اعلان نگردیده است .

3- این جریان علیرغم اینکه شعار (خارج از انحرافی بودن آن) " جنگ بین دو قطب تروریستی است . امپریالیسم و قدری امریکا و ناتو از یک طرف و تروریسم اسلامی از یک طرف . " را سر می دهد ولی هرگز تاکنون گامی در جهت محکوم کردن تجاوزات بغایت وحشیانه امپریالیسم امریکا به عراق و افغانستان که آنرا امری مثبت و در جهت تحقق خواسته های دمکراتیک توده ها تلقی می کرد ، برنداشته و همچنان بر مواضع ضد انقلابی و ارتجاعی گذشته اش پافشاری می کند . این جریان ریاکارانه به سبک سناتورهای غارتگر امریکایی که هراز گاهی بمنظور کسب امتیازات بیشتر از جناح رقیب در چارچوب دعوای خانوادگی از سیاست جنگ آفریزانه دولت بوش دم می زنند ، از سیاست های جنگ آفریزانه امریکا و اسرائیل سخن میگوید بدون اینکه این سیاست ها را ناشی از ماهیت غارتگرانه و جنایتکارانه انحصارات امپریالیستی امریکا بداند . در واقع این جریان برای رد گم کردن ، زبردستانه با کتمان ماهیت انحصارات امریکایی هراز گاهی از سیاست های جنگ طلبانه آنان سخن بر زبان جاری می کند .

اگر باور ندارید نظر شما را به آخرین گفته های حمید تقوایی لیدر حککا کنونی و منصور حکمت در مورد حمله احتمالی امریکا به ایران جلب می کنم .
منصور حکمت در مقاله ای تحت نام " همسویی با کدام طرف ؟ ایران یا امریکا ؟ منتشر شده در " کمونیست " شماره 86 ، همانطور که از عنوان مقاله اش پیداست در همسویی حککا با امریکا بسیار زیرکانه تکیه دارد . توضیح اینکه این مقاله همین هفته پیش توسط حکمتی ها در یکی از وبلاگ های داخل ایران درج گردیده است .

منصور حکمت در بخشی از این مقاله چنین می گوید :
" آمریکا و غرب (بخوانید امپریالیسم) قصد سرنگونی رژیم را ندارند . بیشک نقض حقوق بشر و جنایات رژیم علیه مردم ، دغدغه آمریکا نیست . اما مساله بر سر تروریسم رژیم و یا خطر دستیابی آن به سلاح هسته ای هم نیست . جمهوری اسلامی (به این قسمت خوب دقت کنید) و هیولای " بنیادگرایی اسلامی " به دلایل کاملاً قابل درک فعلاً کاندید بعدی پست امپراطوری شر و آنتی تز مدنیت غربی است که با سقوط شوروی خالی مانده ... علم کردن جمهوری اسلامی در این ظرفیت جدید است و نه سرنگون کردن آن . همان دست هایی که قرار است جمهوری اسلامی را بکوبند ، زیر بغلش را هم گرفته اند که زمین نخورد . " (تکیه از ادیب)

و سپس در پارگراف بعدی با توجه به نتیجه تجاوز بربرمنشانه آمریکا به افغانستان که حاصل آن رژیم جمهوری اسلامی افغانستان و نه تحقق خواسته های دمکراتیک مردم بود ، چنین ادامه می دهد:

" فشار غرب ، بویژه اگر به عرصه نظامی کشیده شود ، اتفاقا بر عمر رژیم می افزاید (درس گیری از تجربه افغانستان و درس آموزی به امپریالیسم امریکا- ادیب) . چنین ضربه ای در درجه اول دست رژیم را در مرعوب کردن کارگران و زحمتکشان ناراضی باز می کند و آنها را از عرصه دخالت سیاسی دور می سازد اقدام نظامی علیه جمهوری اسلامی ... ، یک مانده آسمانی برای رژیم منحوس اسلامی خواهد بود "

و سپس در بند آخر با توجه به جوهر کلامش در تنوری " سناریو سفید و سیاه " که امپریالیسم امریکا را پاسدار " شالوده جامعه مدنی " می داند و امکان پیش برد مبارزه طبقاتی را فقط در بستر حراست از جامعه مدنی که می تواند منجر به انقلاب کارگری و امر آزادی گردد ، دانسته و ریاکارانه و ژورنالیستی چنین می گوید :

" ما برای سرنگونی رژیم اسلامی و علیه برقراری نظم نوین ارتجاعی در سطح جهانی هر دو مبارزه میکنیم . برای کمونیسم کارگری تنها یک " همسویی " ممکن است و آن با منفعت انقلاب کارگری و امر آزادی است . "

ملاحظه می کنید که رهبر این جریان صریحا و روشن اولاً : با فتوای غیر واقعی حمله احتمالی امریکا به ایران را یک دعوی خانوادگی تلقی می کند و نه ناشی از ماهیت غارتگران انحصارات امپریالیستی امریکا که تجلی تضاد بین امپریالیستها با صدها میلیون از اهالی کشورهای جهان سوم می باشد . امری را که لنین بر آن تکیه دارد و یکی از تضاد های عمده جهان کنونی است . و سپس با استادی زبردستانه بعد از جا انداختن رژیم بعنوان هیولای " بنیادگرایی اسلامی " که به امپراطوری شر تبدیل شده و آنرا **آنتی تز مدنیت غرب** می داند ، عملا هیولای انحصارات امپریالیستی امریکا را که امپراطوریش بر دریایی از غارتگری و جنایتکاری استوار است تحت عنوان " مدنیت غرب " از در عقب فراری داده و بصورت فرشته نجات دهنده ، تغییر ماهیت می یابد .

ثانیا : از آنجائیکه جدال کنونی در جهان بر اساس تنوری " سناریو سفید و سیاه " ، جدال بین " مدنیت " و " توحش " که در یک طرف آن دولت امریکا نماینده مدنیت و در طرف دیگر آن دولت ایران نماینده توحش است . لذا از آنجائیکه تنها در بستر جامعه " مدنی " می توان به امر مبارزه طبقاتی دست زد تا قادر شد از طریق انقلاب کارگری به آزادی دست یافت ، پس در درجه اول باید شرایط یک جامعه مدنی را محیا گرداند تا بتوان انقلاب کرد . پس زنده باد امریکا ! نتیجه اینکه : باید ابتدا در " همسوئی " با امریکا به حراست از جامعه مدنی پرداخت و سپس در بستر مبارزه طبقاتی با انقلاب کارگری به آزادی دست یافت . یعنی شعار مبارزه با هر دوی قطب جهانی هم امریکا و هم ایران کشک ! بلکه در شرایط کنونی که شیرازه جامعه " مدنی " توسط امپراطوری شر (رژیم جمهوری اسلامی) در خطر قرار گرفته است ، باید تنها علیه یک قطب مبارزه کرد و نه علیه دو قطب .

در واقع این است جوهر کلام منصور حکمت در حمله احتمالی امریکا به ایران . حال می باید چرایی فرمول بندی مبارزه علیه " دو قطب " از طرف حککا و ح را تنها در نفرت مردم جهان از جنگ دانست که چنین حکمتی ها را مجبور کرده ریاکارانه و زیرکانه بدنبال القاء آن درآذهان عمومی باشند . که نه سیخ بسوزد و نه کباب . هم امریکا و اسرائیل را نرنجانند و هم در باور مردم بعنوان حامی منافع امریکا و اسرائیل رسوا و بی آبروی نشوند .

حال این ریا کاری را می توان در گفته های اخیر " لیدر " حککا حمید تقوایی بروشنی دید . وی در مصاحبه پیرامون حمله نظامی امریکا به ایران بعضا در وصف عملکرد غارتگرانه و جنایتکارانه حملات دولت سرمایه داری امریکا سخن می گوید بدون اینکه کلامی در ماهیت انحصارات امپریالیستی بر زبان جاری کند .

در واقع انتقاد حککا به امریکا فقط به نوع برخوردهای دولت امریکا در امر هژمونی بر جهان است و نه به ماهیت غارتگرانه و جنایتکارانه ای که جزء طبیعت انحصارات امپریالیستی است . این حضرات " آقای " امریکا بر جهان را قبول دارند و فقط ایرادشان به نوع برخوردهای برخی از دولتمداران امریکایی است . امری که همواره در دفعات مختلف توسط پاره ای از صاحبان بی وجدان

انحصارات امپریالیستی با الفاظی از قبیل " جنایت علیه بشریت " ، " اعمال جنگ افروزانه " و ... بخاطر سرپوش نهادن بر ماهیت امر در مقابل تجاوزات امریکا به افغانستان و عراق اذعان گشته است .

حمید تقوایی در آخرین مصاحبه ژورنالیستی پیرامون حمله احتمالی امریکا به ایران چنین می گوید :

" در مقطع حمله امریکا به افغانستان ما را به این نتیجه رساند که حمله را محکوم نکنیم (چرا نباید حمله بربرمنشانه را محکوم کرد- روشن است بخاطر اینکه حکما آقای امریکا بر جهان را در راستای حراست از " شالوده جامعه مدنی " می پذیرد- بخاطر اینکه حکما تجاوز دولت امریکا بر سرنوشت مردم افغانستان را امری مثبت و در جهت رشد و توسعه جامعه مدنی می داند- ادیب) و صرفا به بمباران مناطق مسکونی که منجر به کشتن مردم بیگناه می شد اعتراض کردیم . "

این حضرات پر مدعا و بی هویت تصور می کنند که با دسته کوران روپرو هستند . این جماعت بی بو و خاصیت که تنها هنرشان توجیه جنایت و غارتگری انحصارات امپریالیستی امریکاست بدنبال القاء این امر هستند که گویا امریکایی ها در حمله وحشیانه به کشورها با موشک و بمب افکن های غول پیکر بجای بمب و موشک که قدرت تخریبی اش حداقل صدها کشته و مجروح و ویرانی اماکن مسکونی و خدماتی و .. می باشد ، نقل و شیرینی و یا اسباب بازی یرتاب می کنند . همانطوریکه در بمباران وحشیانه در افغانستان با پرتاب تله های انفجاری بصورت اسباب بازی جان صدها کودک و زن و مرد را گرفتند . همانطوریکه در عراق با بمباران های بغایت وحشیانه تا کنون بیش 200 هزار تن را قتل عام نمودند .

ملاحظه می کنید که این حامیان امپریالیستی چگونه ریاکارانه و بیشرمانه بر تجاوزات بربرمنشانه قوای اشغالگر مهر تائید می کوبند و فقط به نوع برخورد آنها انتقاد دارند که مبدا بمب های خوشه ای- ناپالم- 9 تی- فسفری امریکایی باعث گردد خدائی نکرده خونی از دماغ انسان بی گناهی جاری گرداند . این حضرات ریاکار که بدنبال همان توجیه سیاست امریکایی هستند فراموش می کنند که خود انحصارات امپریالیستی از قبل طی تبلیغات گسترده اعلام کردند که " حمله نظامی ما با بمب های " هوشمند " انجام می گیرد که لطمه ای به مردم و بناهای مسکونی- تجاری و خدماتی وارد نخواهد ساخت " .

در واقع این جماعت شیفته " مدنیت " امریکایی و اسرائیلی همان حمله ای را از طرف امریکا علیه ایران تجویز میکنند که " صرفا به بمباران مناطق مسکونی که منجر به کشتن مردم بیگناه میشود " نگردد . تو گویی بمب های " هوشمند " امریکایی مخصوص رژیم آخوندی ایران ساخته شده اند که هرگز امکان ندارد بر سر توده های بی گناه و یا بر سر اماکن مسکونی- صنعتی و تجاری و ... فرود آید . اگر به سراسر مصاحبه ژورنالیستی که جهت بیان کارشان به " سیا " و " موساد " انجام گرفته است نظری افکنید ، به دفاع بی شائبه آنان از انحصارات امپریالیستی پی خواهید برد .

این حضرات علیرغم اینکه چندین بار بر مبارزه علیه دو قطب تروریسم جهانی " اسلام سیاسی " و " ملیتاریسم امریکایی " تکیه می کنند ولی با عمده کردن مبارزه علیه " اسلام سیاسی " ، مبارزه علیه " ملیتاریسم امریکایی " را بدست فراموشی می سپارند و زبردستانه با عوض کردن صورت مسئله که بایکویت جمهوری اسلامی را از مجامع بین المللی (بخوانید امپریالیستی) خواستارند- که هرگز خواهان خروج بی قید و شرط قوای تجاوزگر امریکا از افغانستان و عراق نمی باشند ، عملا با عمده کردن مبارزه علیه یک قطب (اسلام سیاسی) و خارج کردن قطب دیگر (تروریسم امریکایی) به حل تضاد عمده جهان کنونی که امریکا را پاسدار " شالوده جامعه مدنی " و " اسلام سیاسی " را عامل برهم زدن آن می پندارند ، می پردازند و بر همان راهی تکیه می کنند که منصور حکمت با تئوری من درآوردی " سناریو سفید و سیاه " جهت حل تضاد جهان کنونی تکیه داشت .

روشن است سرنگونی جمهوری جهل و جنایت اسلامی ایران که با هدف کسب آزادی و استقلال- شکوفاهی و حق تعیین سرنوشت مردم می باشد ، هرگز قادر نخواهد بود با تکیه بر امپریالیسم امریکا و صهیونیستهای اسرائیلی متحقق گردد . همانطوریکه در افغانستان و عراق شاهد بودیم حاصل اتکا به امپریالیسم چیزی جز اسارت ، خونریزی و ویرانی نبود و نخواهد بود . در واقع فعال شدن کادرهای این جریان که با هدف جا انداختن مضمون تنوری " سناریو سفید و سیاه " رهبر گمراهشان برآمده اند تا با ترفندهای متفاوت دفاع از منافع امریکا و اسرائیل را تحقق بخشند ، باید در این راستا دید . بی جهت نیست که یکی بنام محسن آسنگران با تبلیغ " مبارزه علیه دوقطب " در حالی که بدرستی نتیجه تحریم اقتصادی را سیاه روزی و تباهی هر چه بیشتر برای زحمتکشان می داند ولی عملا با طرح شعار هایی از قبیل " بایکوت رژیم ایران از طرف مجامع بین المللی " ، و .. نوعی تحریم اقتصادی ایران را بزبان دیگر از امپریالیستها خواستار می باشد . دیگری عباس رضانی در مقاله اخیرش با قلم فرسانی پیرامون مبارزه علیه " دوقطب تروریسم " شاهدیم که کلامی از مبارزه علیه قطب دیگر یعنی امپریالیسم امریکا بر زبان جاری نمی کند . و یا در مقاله بهتر است گفته شود در توهین نامه اش علیه شاعر نامدار و انقلابی شاملو با نفی نیروهای انقلابی بدنبال اثبات بی هویت خویش می باشند تا با " بزرگ " نشان دادن خود مبلغ بیشتری از بودجه 75 میلیونی اختصاصی به " اپوزیسیون " ایران را نصیب خود گردانند .

صرف نظر از ماهیت رژیم که در ضد انسانی بودن آن شکی نیست ، حتی اگر فرض را بر این قرار دهیم که تجاوز امریکا به ایران در چارچوب دعوی خانوادگی دوقدرت تروریستی که حاصلش بدرستی خون و باروت و ویرانی است . آیا بعد از سرنگونی رژیم در اثنای بمباران امریکا باید با توسل به تنوری " سناریو سفید و سیاه " شاهد غارتگری منابع سرشار نفتی و .. توسط انحصارات امریکایی بود و یا اینکه علیه اشغالگران جنگید؟! آیا بر اساس تنوری حکمت باید دهها سال صبر کرد و منتظر ماند تا جامعه مدنی توسط انحصارات غارتگر که همواره بعد از بمباران و نابودی کشورها کرکس وار بدانجا هجوم می آورند ، ساخته شود و سپس از سرمایه داری امریکایی خواست بسیار خوب ایران را ترک کنید ! اکنون نوبت مبارزه طبقاتی است تا در بستر آن بتوان با انقلاب سوسیالیستی به آزادی رسید!؟

حمله احتمالی امریکا به ایران را با توجه به در ماندگی قوای اشغالگر در باتلاق عراق که امکان جنگ های دراز مدت برای امپریالیسم امریکا می تواند بحران های مضاعف بر بحران سیستم انحصارات سرمایه داری را در بر داشته باشد ، باید جنگی کاملا تخریب گرایانه دانست . بدین معنی که بر خلاف نمونه عراق ، تجاوز وحشیانه امپریالیسم بغایت وحشی امریکا علیه ایران تجاوزی کاملا تخریبی خواهد بود . چرا که طراحان انحصارات غارتگر امریکایی قصد دارند با بمب های " باستر " که قدرت تخریبی آن 50 برابر مخرب تر از بمب اتمی است که در هیروشیما بکار رفت ، تاسیسات اتمی- نظامی- صنعتی و تجاری- راههای ارتباطی و ... را درهم کوبیده و با این عمل وحشیانه ایران را (و نه رژیم آخوندی را) به عصر حجر بفرستند که دیگر قادر نگردد تا صدها سال آینده قد راست کند .

انحصارات ضد بشری امریکایی که بر اساس تنوری " سناریو سفید و سیاه " منصور حکمت پاسداران " شالوده جامعه مدنی " تلقی می شوند با توجه به وضعیت درمانده قوای اشغالگرشان در عراق بدین نتیجه رسیده اند ؛ تنها راه تسلط بر ایران که در حلقه تسلط بر منابع سرشار خاورمیانه معنی می دهد جز با درهم کوبیدن کامل آن به تحقق نخواهد پیوست . با توجه به هدف سیاسی بمباران وحشیانه انحصارات امپریالیستی امریکا در حمله به ایران که جهنم بمراتب بدتر از عراق را برای ایران در نظر دارند چراکه فقط بمباران یک نیروگاه هسته ای در نطنز با بمب ها و موشک های قدرتمند و یا با بمب های " باستر " ، 3 میلیون کشته و 25 میلیون

مجروح شمیانی در برخواهد داشت . لذا می توان به عمق فاجعه آمیز این حمله بربرمنشانه که فقط نه تنها نطنز بلکه دیگر نقاط ایران را در بر خواهد گرفت پی برد .

حال با توجه به نمونه عراق که شاهدیم بعد از نابودی کشور توسط بمباران های وحشیانه بجای تحقق خواسته های دمکراتیک مردم (امری که حکمتی ها در جهت القاء آن میباشند)، در بستر رژیم دست نشانده جمهوری اسلامی احمد چلبی ها و ایاد علاوی ها چگونه انحصارات غارتگر امریکایی چون کرکسان وحشی به آن دیار حمله ور شدند- دهها هزار نفر در شکنجه گاههای بمراتب بدتر از زندانهای قرون وسطی بطرز فجیعی به قتل رسیدند و هر روزه جهت برقراری امنیت منافع غارتگران صدها تن انسانهای بی گناه تکه تکه می شوند . خوش خیالی محض است اگر تصور شود بعد از چنین بمباران وحشیانه ای رژیم برخاسته از دل دریایی از جنایتکاری و ویرانی بتواند مستقل از منافع انحصارات امریکایی عمل کند . همانطوریکه در افغانستان حاصل تجاوز امریکا نه تحقق خواسته های دمکراتیک مردم آنطوریکه احزاب حکمتی در صد القاء آن بودند و هستند ، بلکه رژیم دست نشانده جمهوری اسلامی کرزا بود .

جالب توجه است که احزاب حکمتی که در قالب دو " حزب مستقل " فعالیت می کنند در حالی که هر جریانی دیگری را جریان پوچ و هوچیگر- تعدادی کهنه کار سیاسی بیش نمی دانند ولی هر کدامشان خود را نه تنها فقط قدرتمند ترین نیروی تعیین کننده سیاسی که از پشتیبانی میلیونی توده ها در ایران برخوردارند ، بلکه قدرتمندترین نیروی تعیین کننده جهان می دانند . یکی نیست به این حضرات خالی بند که دائما دست یکدیگر را بعنوان فریبکاران رو می کنند ، بگوید شما (احزاب حکمتی) که حمله امریکا به ایران را در کادر دعوی بین دوقطب تروریستی می دانید- شما که خود را تنها نیروی رهائی بخش دانسته و خواهان " یک دنیای بهتر " برای مردم هستید ، به چه دلیل ساکت نشستید و به ایران نمی روید تا با یکسره کردن کار رژیم هیولای " بنیادگرای اسلامی " که "امپراطوری شر و آنتی تز مدنیت غربی " است از فاجعه قرن جلوگیری بعمل آورید ؟

حال با توجه به جوهر کلام این جریان بغایت انحرافی و ناسالم که هرگز اخاذی از امپریالیسم امریکا و صهیونیستهای اسرائیلی را محکوم نکرده و این روزها با علم کردن " کمپین جمع آوری کمکهای مالی " بدنبال توجیه کتمان دریافت مالی از امریکا و اسرائیل است- با توجه به نیروی کذائی این جریان که به یمن دریافت مالی و خدماتی در پیکر تنها چند سایت و نام مستعار " سازمانها " ی ساختگی تحت سرپرستی مصطفی صابر و چند کهنه کاره سیاسی عرض اندام می کند- بر احزاب ، سازمانها ، گروهها و افرادی انقلابی است ، که نه بسبب برخی با مشروعیت بخشیدن به این جریان ضد کارگری و ضد انقلابی(حکما) بدنبال آنند که برایشان تعیین تکلیف کند که آیا فدائیان (اقلیت) انقلابی است و یا چپ سنتی است . و یا مانند افرادی که مرعوب سایت های بیشمار آنان گشته و علیرغم اینکه این جریان را در گذشته ارتجاعی و روندی که پروسه ضد خلقی شدن را طی می کردند می دانستند ... حال معلوم نیست به چه دلایلی سکوت را پیشه راه خویش کرده اند؟. در صورتی که مارکسیست لنینیست ها هرگز و در هیچ شرایطی نباید از افشای بی امان و بیروسی های لیبرالی و ضد انقلابی و ضد پرولتری غافل باشند و موظفند شجاعانه و شفاف چهره این آرایشگران امپریالیسم را افشا سازند.

به اعتقاد حتی اگر در ایران با سرنگونی قهری رژیم فاشیستی مذهبی بتواند دولت نوین انقلابی که در آن مردم حاکم بر سرنوشت خویش باشند بر ویرانه های آن بنا گردد و به تمامی فعالیت های انرژی هسته ای خاتمه دهد- به تمامی قوانین سازمان ملل کردن نهد ، باز احتمال حمله امریکا به ایران نه تنها منتفی نخواهد گردید ، بلکه شدت بیشتری بخود خواهد گرفت . چراکه تجاوزات گستاخانه و قدرمنشانه انحصارات امریکایی به افغانستان و عراق و در آینده به ایران در چارچوب سیاست تسلط بلامنازع بر جهان از قبل برنامه ریزی و طراحی شده است . و اصولا اساس سیاست

های امپریالیستی در جهان از ماهیت بربرمنشانه و جنایتکارانه و ضد انسانی آنان ناشی می گردد
و در طبیعت پدیده انحصارات سرمایه داری می باشد .

تنها راه جلوگیری از تجاوزات بربرمنشانه این هیولای جهانخوار ، در اتکا به نیروی توده ها و با
بسیج میلیونی افکار عمومی مردم جهان مقدور می باشد !
باید کوشید با بسیج افکار عمومی مردم جهان هر گونه تحریم اقتصادی و جنگ تجاوز کارانه
امپریالیستی امریکا علیه ایران را متوقف ساخت !

باید بکوشیم با تشکیل جبهه قدرتمند متشکل از تمامی کمونیست های راسیتن و آزادیخواهان واقعی
توسط انقلاب قهر آمیز به بساط رژیم سرمایه داری عامل اصلی سیاهی و تباهی توده های رنج و
کار خاتمه دهیم . بدیهی است تشکیل چنین جبهه سرخ انقلابی تنها و تنها در پرتو یک مبارزه
ایدئولوژیک- سیاسی شجاعانه و شفاف که قادر گردد بر انحرافات موجود در جنبش غلبه کند ،
امکان پذیر خواهد بود .

شعار کمونیست های انقلابی :

تجاوز نظامی امریکا علیه ایران هرگز !

مخالفت با تحریم اقتصادی علیه ایران !

بکوشیم با بسیج افکار عمومی مردم جهان تجاوز قلدور منشانه امپریالیسم امریکا به ایران را
متوقف کنیم !

انقلاب آری !

بکوشیم با بسیج توده های رنج و کار رژیم سرمایه داری جمهوری اسلامی را سرنگون کنیم !

مرگ بر رژیم سرمایه داری جمهوری اسلامی ایران عامل اصلی فقر و سیه روزی زحمتکشان !

مرگ بر امپریالیسم و بویژه امپریالیسم امریکا عامل اصلی سیاهی و تباهی بشریت !

زنده باد آزادی و سوسیالیسم بلشویکی !

بهمن ادیب 2006/05/03